

## جایگاه راویان در رجال شیخ طوسی

اصغر قائدان<sup>\*</sup>  
راضیه ادhem<sup>\*\*</sup>

### چکیده

الرجال شیخ طوسی که در سیزده باب تدوین و ۸۹۰۰ را روی را دربر می‌گیرد، تنها با هدف شمارش روایتگران از معصومین ﷺ و نیز تعیین طبقات آنان تألیف شده است. در این پژوهش با بررسی و ارائه نمونه‌هایی، درپی طرح این مسئله هستیم که تقسیم‌بندی شیخ در ذکر جایگاه راویان بر چه مبانی و روشی استوار است. شیخ با اینکه کاملاً درپی بیان وثاقت، ضعف، جرح و تعدیل نبوده است، اما در مجموع روش رجالی او مبتنی بر امتناع از تضعیف ضعفاً یا نهایتاً جرح خفیف است، که بیشتر از روحیات میانه‌رو و معتدلانه وی نشئت گرفته است و البته بی‌ارتباط با شرایط تاریخی عصر او، یعنی ابتدای روى کار آمدن سلجوقیان متعصب در مذهب شافعی و تشدید درگیری‌های بین شیعه و سنی نیست. حاصل تلاش او در این شرایط حساس، توثیق راویانی از اهل سنت و فرقه‌های مختلف شیعه است تا از ابعاد آسیب‌های این درگیری‌ها بکاهد. از این‌رو دایره رجالی او گسترده‌گی زیادی یافته و نمی‌توان صرفاً با استناد به وجود نام کسی در این کتاب، به امامی یا حتی شیعی بودن وی اطمینان یافت.

### وازگان کلیدی

شیخ طوسی، رجال، الابواب، جرح و تعدیل.

---

qaedan@ut.ac.ir  
adhamhemat@gmail.com  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۷

\*. استادیار دانشگاه تهران.  
\*\*. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع.  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۶

### طرح مسئله

کتاب رجال که نام کامل آن رجال‌الذین رووا عن النبی ﷺ و الائمه‌الاثنی عشر و من تأخر عنهم می‌باشد و به الابواب نیز شناخته شده است<sup>۱</sup>، در یک نگاه کلی از دو بخش مقدمه و متن اصلی تشکیل شده است. هریک از بخش‌های مذکور به لحاظ محتوا و ساختار، حاوی مطالب و نکات ارزشمندی است. این کتاب از جهت تعیین طبقات و نیز نظرات البته اندک مربوط به جرح و تعدیل راویان، مورد اعتماد دانشمندان رجالی پس از شیخ قرار گرفته و همه آنها در کتاب‌هایشان از آن بهره برده‌اند. به همین دلیل یکی از ارکان اولیه شیعه در علم رجال به‌شمار می‌آید. شیخ در مقدمه کتاب خود انگیزه تألیف کتابش را دو امر بیان می‌کند: یکی سفارش شیخ فاضل، که البته در مورد اینکه او چه کسی است، حدسه‌های زیادی زده شده است و دیگری عدم وجود کتاب جامع و مانعی در این خصوص، البته جز کتاب این عقده که شیخ کوشیده تا نواقص و خلاهای آن را پر کند. او در این مقدمه به این موضوع اشاره دارد که می‌خواسته کتابی مشتمل بر اسامی رجالی بنویسد که از پیامبر اکرم ﷺ و بعد از او از ائمه معصومین ﷺ تا زمان ولی عصر ﷺ روایت کرده‌اند؛ آنگاه از راویانی یاد کند که در زمان آنها نبوده‌اند یا اگر بوده‌اند، مستقیماً از ائمه روایتی نقل نکرده‌اند. او این کار را تقریباً به صورت الفبایی به انجام رسانده و آن‌طور که خود بیان می‌کند، هدفش از این روش دستیابی و حفظ آسان‌تر آن راویان بوده است. او به گفته خود کوشیده تا اسامی روات را به‌طور کامل جمع‌آوری کند؛ اما در عین حال مدعی نیست که این کار مانع و جامع باشد؛ زیرا راویان حدیث از نظر تعداد دقیقاً قبل احصا نیستند و به‌دلیل کثرت و پراکندگی آنان در نقاط مختلف، شمارش آنان امکان‌پذیر نیست.

نکته شایان ذکر اینکه، راویان مذکور در کتاب، عمده‌تاً شامل راویان امامی‌مذهب و سایر فرق شیعه هست و البته راویان عامه یا اهل سنت و حتی گاه منافقان و از جبهه کفار و مشرکان را نیز در بر می‌گیرد؛ مثل ابان بن سعید بن عاص.<sup>۲</sup> بنابراین ذکر نام یک راوی در رجال شیخ نه تنها امامی بودن راوی، بلکه اسلام وی را نیز ثابت نمی‌کند.

مسئله تحقیق در این مقاله آن است که اولاً روش شیخ در خصوص تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی و جایگاه راویان چگونه است؛ ثانیاً او چه ملاک‌هایی را برای توثیق با تجربی معترض می‌دانسته است؛ ثالثاً با توجه به تلاش شیخ برای عدم تضعیف راویان و جرح آنان – که البته دلایل آن را هم روشن خواهیم ساخت – آیا می‌توان این کتاب را یک کتاب رجالی دانست؟

۱. بحرالعلوم، رجال بحرالعلوم معروف به القوانین الرجالیه، ج، ۳، ص ۲۳۱.

۲. طوسي، رجال، ص ۲۴.

### توصیف کتاب

متن کتاب رجال دارای سیزده باب است که در هر باب اسامی روایان و اصحاب پیامبر ﷺ و امامان م Gusum آمده است؛ به این ترتیب که در باب اول، اسامی روایانی که از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند، تقریباً براساس حروف الفباء ذکر و در پایان این باب، پس از حرف «یاء» (آخرین راوی) نام صاحبان کنیه و نیز زنان راوی در دو بخش ذکر شده است. این شیوه در دوازده باب دیگر نیز به همین منوال انجام پذیرفته است. دوازده باب این کتاب آن به درج نام روایان و صحابه رسول خدا ﷺ و امامان شیعه ﷺ به تعداد ۶۴۲۹ راوی و تقریباً براساس حروف الفباء اختصاص یافته است. باب سیزدهم کتاب با نام «من لم یروا عن واحد من الائمه» به ذکر نام کسانی اختصاص دارد که پس از دوران ائمه زندگی کرده یا اگر در دوران امامان بوده‌اند، توفیق مصاحبت و اخذ روایت هیچ‌یک از آنان را نداشته‌اند. به این ترتیب مجموع عدد روایان نام برد شده در این کتاب به ۸۹۰۰ تن می‌رسد. از این رو کتاب رجال به الابواب نیز شناخته شده است. دلیل این نام‌گذاری آن است که شیخ طوسی این کتاب را بر ابوابی به تعداد رجال اصحاب پیامبر ﷺ و اصحاب هریک از ائمه تبییب کرده است.<sup>۱</sup> با توجه به به باب‌بندی‌های موجود در رجال، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ساختار این کتاب براساس شیوه نگارش طبقات سامان یافته است که از ویژگی‌های مهم روشی این کتاب به‌شمار می‌رود؛ زیرا نویسنده سعی کرده دسته‌بندی خاصی از روایان ارائه و طبقات فراوانی ایجاد کند و سپس هریک از روایان را در جایگاه خاص خود قرار دهد تا برای علمای علم رجال سودمندتر افتد. البته این روش نیازمند تلاش گسترده‌ای است تا نویسنده با احاطه کامل بر اسناد روایات و اطلاع دقیق از زمان ولادت و وفات روایان، عصر زندگی آنان، استادان و شاگردان و دیگر قرائن، بتواند طبقه زمانی هریک را مشخص و جایگاه ایشان را روشن کند. روش طبقاتی در راوی‌شناسی دارای آثار و فواید ارزشمندی است که مهم‌ترین آنها در آگاهی از مسند یا مرسل بودن روایت ظاهر می‌شود.<sup>۲</sup>

در این کتاب اطلاعات ارزشمند دیگری غیر از صحابه بودن راوی و طبقه او ارائه شده است. این اطلاعات مربوط به روایان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: یکی اطلاعات مربوط به شناسایی و هویت روایان شامل مشخصات فردی و اجتماعی مانند نام، لقب، کنیه، قبیله، ولا، مولد و منطقه و شغل؛ دیگری اطلاعات مربوط به حال و وصف روایان مانند جرح و تعدیل و بیان مذهب است. شیخ این روش را در الفهرست نیز به اجرا درآورده، با این تفاوت که اطلاعات موجود در کتاب رجال به گستردگی اطلاعات موجود در الفهرست او نیست.

۱. تهرانی، *الذریعة الى تصنیف الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۲۰؛ بحرالعلوم، رجال بحرالعلوم معروف به الفوائد الرجالیه، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲. رک: علی نژاد جویباری، «آشنایی با رجال شیعه»، *شیعه‌شناسی*، س ۴، ش ۱۶.

## الف) اطلاعات مربوط به شناسایی و هویت روایان

یک. نام و کنیه

شیخ طوسی معمولاً برای معرفی روای به ذکر نام و نام پدر روای اکتفا می‌کند. این شیوه درباره همه افراد صدق می‌کند، مگر افرادی که به خاندان پیامبر ﷺ یا قبایل مهم منسوب یا روای از شخصیت‌های برجسته و معروف و تاریخ‌ساز باشد، که در این صورت نیز معمولاً نام آنان را تا چند نسل به طور کامل ذکر می‌کند. به عنوان مثال در باب اول «ابان بن سعید» را که یکی از بزرگان کفار و از خاندان اموی است، این گونه معرفی می‌کند: «ابان بن سعید بن العاص بن امية بن عبد‌الله بن امیة ...».<sup>۱</sup> یا هنگام معرفی حمزه، عموی پیامبر ﷺ نیز نام کامل او را ذکر می‌کند: «جمزة بن عبد‌اللطیب بن هاشم بن عبدمناف ...».<sup>۲</sup>

شیخ طوسی در باب آخر این قسمت هنگام معرفی افراد منسوب به خاندان حضرت علی ؑ، به ذکر کامل نام آنها مبادرت می‌ورزد؛ مانند «احمد بن علی بن ابراهیم بن محمد بن الحسن بن عبیدالله بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ؑ».<sup>۳</sup>

علاوه بر ذکر نام پدر و نام اجداد روای (در برخی موارد)، اطلاعات دیگری نیز درباره روای ارائه می‌شود؛ مانند لقب و کنیه و شهرت افراد که درباره بیشتر روایان به آن اشاره شده است.

## دو. قبیله

شیخ طوسی برای شناسایی بهتر روایان، هنگام معرفی افراد انتساب قبیله‌ای آنان را هم روشن می‌سازد که فواید رجالی زیادی دارد.

به عنوان نمونه «اشعث بن قیس الکندي»،<sup>۴</sup> «اویس بن حذیفه الثقفي»،<sup>۵</sup> «ابراهیم بن ابی موسی عبدالله بن قیس الاشعری»،<sup>۶</sup> «الأقرع بن حابس التمیمی»،<sup>۷</sup> «البراء بن معور الانصاری الخزرجی»،<sup>۸</sup> «بلال بن حارت المزنی»<sup>۹</sup> و «جابر بن سلیم الھجیمی من بنی تمیم».<sup>۱۰</sup>

۱. طوسی، رجال، ص ۲۴.

۲. همان، ش ۱۷۴.

۳. همان، ش ۵۹۴۷.

۴. همان، ص ۲۲، ش ۲۰.

۵. همان، ص ۲۳، ش ۳۰.

۶. همان، ص ۲۴، ش ۴۱.

۷. همان، ص ۲۶، ش ۵۹.

۸. همان، ص ۲۷، ش ۷۸.

۹. همان، ص ۲۷، ش ۸۱.

۱۰. همان، ص ۳۲، ش ۱۳۸.

سه. مولد و منطقه

از دیگر اطلاعاتی که شیخ طوسی هنگام ترجمه روایان بیان می‌کند، دقت در انتساب به سرزمین آنهاست که در علم رجال یکی از مهم‌ترین مسائل بهشمار می‌رود و می‌تواند گرایش‌های فکری و اعتقادی رایج در سرزمین راوی ازجمله کوفی، بصری، مدنی، شامی، مصری و خراسانی را روشن سازد.

وی معمولاً برای شناساندن منطقه راوی، نام منطقه را پس از نام راوی قرار می‌دهد؛ مانند «بشر بن معاویة بن ثور البکائی الحجازی»<sup>۱</sup>، «الاسود بن عرفجه السکسکی شامی»<sup>۲</sup>، «جویرة بن مسهر کوفی»<sup>۳</sup>، «خلد بن زید مدنی»<sup>۴</sup>، «عبدالله بن نحیلہ الخراسانی»<sup>۵</sup>، «اسحاق بن عبدالله الاشعربی القمی»<sup>۶</sup>، «ادریس بن عبد الله الاصفهانی»<sup>۷</sup> و «اسماعیل بن یسار البصری»<sup>۸</sup>. گاهی برای کسانی که فقط در منطقه‌ای ساکن بوده و مولد آنان نیست، از تعابیری چون «من أهل ...»، «سكن»، «نزل»، «كان مقيماً ...» و «المقيم ...» استفاده کرده است؛ مانند «اسامة بن شریک الشعوبی، نزل الكوفة»<sup>۹</sup>، «جون بن قتاده التمیمی، نزل البصرة»<sup>۱۰</sup>، «ثابت بن الصامت الاشهلی، سکن المدینه»<sup>۱۱</sup>، «الحارث بن ضرار الخزاعی، سکن الحجاز»<sup>۱۲</sup>، «احمد بن ابراهیم، المعروف بعلان الكلینی ... من أهل الـری»<sup>۱۳</sup> و «جبیریل بن احمد الفاریابی ... و كان مقيماً بكش ...»<sup>۱۴</sup>.

#### چهار. ولا و حلف

از روش‌هایی که شیخ در شناسایی هویت روایان استفاده کرده، ذکر موالی بودن راوی است و اینکه او در ولای چه شخص یا قبیله‌ای قرار دارد. یکی از معانی مولا که در علم حدیث و رجال استعمال

۱. همان، ص ۳۸، ش ۹۱.

۲. همان، ص ۵۷، ش ۴۸۱.

۳. همان، ص ۵۹، ش ۴۹۹.

۴. همان، ص ۶۲، ش ۵۴۷.

۵. همان، ص ۷۸، ش ۷۶۴.

۶. همان، ص ۱۶۲، ش ۱۸۷۳.

۷. همان، ص ۱۶۳، ش ۱۸۴۹.

۸. همان، ص ۱۶۷، ش ۱۹۲۷.

۹. همان، ص ۲۱، ش ۲.

۱۰. همان، ص ۳۴، ش ۱۶۴.

۱۱. همان، ص ۳۰، ش ۱۱۱.

۱۲. همان، ص ۳۶، ش ۱۸۹.

۱۳. همان، ص ۴۰۷، ش ۵۹۲۰.

۱۴. همان، ص ۴۱۸، ش ۶۰۲۴.

می‌شود، حلیف (همپیمان) است که به آن ولای حلف یا مولی الحلیف نیز گفته می‌شود. به عنوان مثال در ولای چلف فردی مانند امام مالک که از قبیله حمیر است، چون قبیله حمیر با قبیله تمیم از قریش همپیمان هستند، وی را تمیمی نیز می‌گویند.<sup>۱</sup> این امر در علم رجال از آن‌رو حائز اهمیت است که می‌تواند وابستگی‌های قبیله‌ای و اصالت‌های نژادی را که ممکن است راوی را درگیر احساسات و تعصبات خاصی کرده باشد، روشن سازد.

ازجمله مواردی که شیخ به آنها اشاره کرده عبارتند از: «بشار بن الاسود الكندي، مولی بنی ...»<sup>۲</sup>، «ابراهيم بن ابي محمود خراساني، ثقة، مولی بنی ...»<sup>۳</sup>، «سلمان الفارسي، مولی رسول الله ﷺ»<sup>۴</sup>، «الحسن بن سعيد بن حماره، مولی على بن الحسين ع»<sup>۵</sup>، «محمد بن عمران، مولی امهانی بنت ابی طالب» و «ثابت بن هرمز الفارسي، ابوالمقدم العجلی الحداد، مولی بنی عجل»<sup>۶</sup>.

در برخی شرح حال‌ها که بیشتر در باب اول و دوم کتاب دیده می‌شود، شیخ طوسی با عبارت «حلیف ...» نام قبیله همپیمان راوی را ذکر می‌کند؛ مانند «سباس بن عمرو بن شعبه، حلیف بنی ساعده ...»<sup>۷</sup>، «محمد بن عبدالله بن جحش الأسدی، حلیف بنی عبدالشمس ...»<sup>۸</sup> و «عمار بن یاسر یکنی ابالیقطان، حلیف بنی مخزوم ...»<sup>۹</sup>.

افزون بر این اطلاعات، داده‌های دیگری نیز در رابطه با شناسایی راویان در کتاب رجال یافت می‌شود که بخشی از آنها در تمام ابواب کتاب ذکر شده‌اند؛ مانند لقب، کنیه، شهرت، زمان و محل تولد و وفات و شغل.

#### پنج. جایگاه و نقش تاریخی و سیاسی راوی

بخش دیگری از اطلاعات مربوط به راوی در زمینه جایگاه تاریخی و سیاسی آنان است که به هنگام ترجمه و شرح حال راویان ابواب اول و دوم کتاب ارائه شده است. به عنوان نمونه در باب اول کتاب «من روی عن النبي ﷺ» پاره‌ای اطلاعات تاریخی از راویان در صدر اسلام ارائه شده است. اطلاعاتی مانند

۱. مدبرسانه‌چی، درایة الحديث، ص ۵۰.

۲. طوسی، رجال، ص ۱۶۹، ش ۱۹۷۴.

۳. همان، ص ۲۵۱، ش ۵۲۰۴.

۴. همان، ص ۶۵، ش ۵۸۶.

۵. همان، ص ۳۵۴، ش ۵۲۴۳.

۶. همان، ص ۱۱۰، ش ۱۰۸۲.

۷. همان، ص ۲۹، ش ۱۰۳.

۸. همان، ص ۴۷، ش ۳۸۵.

۹. همان، ص ۷۰، ش ۶۹۳.

شرکت داشتن روایان در غزوات، جنگ‌ها و پیمان‌ها،<sup>۱</sup> بیان محل شهادت روایان،<sup>۲</sup> کاتب وحی بودن،<sup>۳</sup> مهاجر و انصاری بودن،<sup>۴</sup> حضور در پیمان مواخا،<sup>۵</sup> مهاجرت‌ها و دلایل آن،<sup>۶</sup> مرتد شدن برخی صحابه بعد از رحلت نبی اکرم ﷺ<sup>۷</sup> و بیان فعالیت برخی روایان در جاهلیت و اسلام،<sup>۸</sup> در باب دوم «من روی عن امیر المؤمنین علیه السلام»<sup>۹</sup> نیز اطلاعات تاریخی قابل توجهی از روایان دوران حکومت آن حضرت ارائه شده است، مانند عاملان و کارگزاران حضرت در نقاط مختلف سرزمین اسلامی،<sup>۱۰</sup> شرکت داشتن روایان در جنگ‌های دوران خلافت حضرت امیر علیه السلام (جمل، صفين و نهروان) و ذکر زمان و محل شهادت و حتی ذکر آسیب‌های جسمانی برخی روایان در این جنگ‌ها<sup>۱۱</sup> و معرفی سران خوارج و یاران معاویه.<sup>۱۲</sup>

#### ب) اطلاعات مربوط به جرح و تعديل روایان

یکی از نکات چالش برانگیز روشنی شیخ در رجال، جرح و تعديل روایان است. این امر بیشتر در تسماح نسبت به مذهب راوی و پذیرش روایان غیر امامی از فرق مختلف، مگر فرق منحرف نمود می‌یابد. این رویه هم در کتاب رجال و هم در الفهرست او نمایان است. اگرچه هدف شیخ طوسی از تألیف کتاب رجال، جمع‌آوری و شمارش روایان بی‌واسطه و باواسطه معصومین علیهم السلام بوده است، اما با این وجود درباره برخی روایان به توثیق و تضعیف و بیان مذهب و عقیده آنان نیز اقدام کرده است. به‌نظر می‌رسد این توثیقات و تضعیفات تنها از باب دفع شبه باشد. به هر حال شیخ برای تعیین وصف حال روایان و شناسایی روایان معتمد و غیر معتمد، دو دسته اطلاعات را در کتاب خود ذکر است: یکی روایان مذهب و عقیده روایان، و دیگری جرح و تعديل آنها. بر این اساس او روایت روایان همه فرق شیعی و نیز عامی را می‌پذیرد، به شرط آنکه عدالت آنان محرز یا در برابر روایات آنان سندی در میان روایان شیعه نباشد؛ و گرنه مطرود می‌گردد.

۱. همان، ص ۲۲، ش ۱۴ – ۱۲؛ ص ۲۷، ش ۷۴ – ۷۳.

۲. همان، ص ۲۷، ش ۷۸ – ۷۷؛ ۸۰ و ۸۳؛ ص ۳۲، ش ۱۴۳؛ ص ۳۳، ش ۱۵۶.

۳. همان، ص ۲۲، ش ۱۵.

۴. همان، ص ۲۱، ش ۸؛ همان، ص ۴۹، ش ۳۹۷.

۵. همان، ص ۲۸، ش ۹۳؛ همان، ص ۳۵، ش ۱۸۲.

۶. همان، ص ۳۲، ش ۱۴۴.

۷. همان، ص ۲۳، ش ۲۲.

۸. همان، ص ۲۵، ش ۵۲.

۹. همان، ص ۵۸، ش ۴۹۲؛ همان، ص ۶۱، ش ۵۲۸؛ همان، ص ۶۶، ش ۵۸۸؛ همان، ص ۷۴، ش ۷۰۵؛ همان، ص ۷۷، ش ۷۵۴.

۱۰. همان، ص ۵۹، ش ۴۹۵؛ همان، ص ۶۱، ش ۵۲۹؛ همان، ص ۶۸، ش ۶۲۳؛ همان، ص ۷۰، ش ۶۳۸.

۱۱. همان، ص ۵۷، ش ۴۸۱؛ همان، ص ۸۲، ش ۸۳۸؛ همان، ص ۸۳، ش ۸۳۴.

یک. مذهب و عقیده راوی

همان‌گونه که ذکر شد، شیخ اگرچه چندان به تقسیم‌بندی رجال براساس مذهب و اعتقاد آنان عنایتی نداشته و همه راویان اعم از امامی‌مذهب و غیر آن و حتی گاه منافقان و کافران را نیز ثبت کرده است، اما در مورد برخی راویان بعد از ذکر نام آنها، مذهب ایشان را نیز ذکر می‌کند البته این روشی است که به‌ندرت مورد توجه او قرار گرفته است:

مذاهبی که شیخ طوسی در رجال به آنها اشاره کرده است عبارتند از:

- <sup>۱</sup> بتریپه: حدود پازده نفر از راویان منسوب به این فرقه در کتاب رجال ذکر شده‌اند.<sup>۱</sup>

- <sup>۲</sup>. زیدیه: افاد منسوب به فرقه زیدیه که در کتاب رحال ذکر شده‌اند، بازده نفر هستند.<sup>۲</sup>

- <sup>۳</sup> واقفه: حدود شخصت و حمل نفاذ از داویان منسوب به ابن فقهه ذکر شده است.

- <sup>۴</sup> غلات: غالباً با افاده متمم به غله و تفهیض در کتاب حال حدود سی، تن هستند.

- <sup>۵</sup> عالمه: حیدر بازدید ترن اند ایندیان اها سنت در کتابی: حلا مشخص شده‌اند.

- د خواه: شما بچ تر از اینان که اسم آن در دار، «من دم عن اهل فتنه<sup>۱</sup>» ذکر

شامل تر

- <sup>۷</sup> لا. کیسانیه: تنها فرد منسوب به کیسانیه د. حا) طمس. «المقوع بن: قماقه الاسد» است.

شیخ علامہ بن ذکر مذاہب فاساد کتاب و حوالہ دو علماء حاصل ذرا زاویہ باز انداز

<sup>٨</sup> امام محمد بن قاسم رعایتی از حسن «کاشش» و «امیر حباده» مؤلفین: *مختصر*

<sup>١١</sup> «حسن المذهب»،<sup>٩</sup> «مستقيم المذهب»،<sup>١٠</sup> «أله مذلة حارمه عن الطائفه»<sup>١١</sup> اشاره کرده است.

١٤٥٤، ش. هـ، ١٤٦٢، ١٤٦٨، ١٤٧٣، ١٤٧٩، ١٤٨٣، ١٤٨٨، ١٤٩٢، ١٤٩٣

٢٠٢٧، ١٣٢٧، ١٤٠٩، ٢٢٤٨، ٨٩٤٩، ٤١٤٨، ٤١٩٤

٣٩٩٣ ٤٩٩٦ ٤٩٧٤ ٤٩٧٢ ٤٩٤٧ ٤٩٦٩ ٤٩٧٨ ٤٩٧٢ ٤٩٥٣ ٤٩٤٩ ٤٩٤٤ ٤٩٤٨ ٤٩٣٢ ٤٩٣١

ପ୍ରେସ୍ - ପ୍ରେସ୍ ଫାର୍ମ - ପ୍ରେସ୍ ଫାର୍ମ୍ୟୁ ଫାର୍ମ୍ୟୁ ଫାର୍ମ୍ୟୁ ଫାର୍ମ୍ୟୁ ଫାର୍ମ୍ୟୁ

ଫଲ: ଫ୍ରେଶ ଫ୍ରେଶ ଫ୍ରେଶ ଫ୍ରେଶ - ଫ୍ରେଶ ଫ୍ରେଶ - ଫ୍ରେଶ ଫ୍ରେଶ ଫ୍ରେଶ - ଫ୍ରେଶ ଫ୍ରେଶ ଫ୍ରେଶ - ଫ୍ରେଶ ଫ୍ରେଶ

卷之三

۱۰۸ شیخ احمد

۴۳۸۰ ۴۳۸۴ ۴۳۸۵ ۴۱۰۵ ۴۰۲۰ ۴۰۰۴ ۴۹۲۳ ۴۹۲۴ ۴۹۲۳ ۴۹۲۴ ۴۹۲۳ ۴۹۲۴ ۴۹۲۴

۵۸۹۹، ۵۴۸۲، ۵۳۲۸، ۲۴۰۶، ۱۶۰۹، ۱۷۷۸، ۱۵۳۱، ۱۵۱۱، ۱۴۰۲، ۱۳۷۱، ۱۳۳۸، ش. همان.

ع. همان، ش. ۱۱۳، ۷۳۸، ۴۷۳، ۸۴۳، ۶۲۰.

۷۰۸ ش (۱) نامه ها

١٤٣ ش ١٨٤٣

٩-٢٤ ش ٢٢١

۱۳۴۰ ش ۴۲۸۸

۱۱-ش ۴۴۷-۴۳۸۱

سے ملے۔

## دو. تتعديل راوی

بحث عدالت راوی یکی از مسائل مورد چالش در علم رجال است. شیخ در باب ضوابط پذیرش روایات درخصوص عدالت روایان حدیث در کتاب رجال تسامح بیشتری نسبت به همگنان خود دارد. او معتقد است عدالت در نقل روایت، غیر از عدالتی است که در ادای شهادت شرط شده است؛ زیرا راوی اگر در برخی سخنان خود اشتباه کند یا در عمل فسقی از او سرزنش، ولی در نقل روایاتش مورد وثوق باشد، موجب رد خبرش نمی‌شود. این فسق یا عدم عدالت فقط مانع قبول شهادت اوست، نه روایت و خبر وی؛<sup>۱</sup> زیرا به گفته شیخ، بسیاری از فقهاء به اخباری که چنین افرادی در سند آنها هستند، استناد کرده‌اند.<sup>۲</sup> بر این اساس شیخ در شرایط راوی ضابط بودن او را کافی می‌داند؛ در صورتی که رجالیون دیگر بر عدم فسق و اشتباه به آن تأکید دارند. آیت‌الله خویی این نظر را از اجتهادات شیخ می‌داند.<sup>۳</sup>

با وجود اینکه شیخ در این کتاب چندان درپی جرح و تتعديل روایان نیست، اما در مواردی نیز به توثيق و تضعيف اشخاص معمولاً با استفاده از اصطلاحات خاص علم رجال پرداخته است.

۱. الفاظ و عبارات تعديل: الفاظی چون «ثقة»،<sup>۴</sup> «ثقةُ مأمون»،<sup>۵</sup> «ثقةُ صحيح»،<sup>۶</sup> «عظيم المنزلة»،<sup>۷</sup> «واسع الرواية»،<sup>۸</sup> «كثير السمع والرواية»،<sup>۹</sup> «جليل القدر»،<sup>۱۰</sup> «صادق اللهجه»،<sup>۱۱</sup> «كان من القواد»،<sup>۱۲</sup> «صحيح الحديث»،<sup>۱۳</sup> «عديم النظير»،<sup>۱۴</sup> «لا بأس به»،<sup>۱۵</sup> «رجلاً صالحًا»،<sup>۱۶</sup> «كان فقيهًا

۱. معارف، «مقایسه دیدگاه‌های رجالی نجاشی و شیخ طویل»، پژوهش دینی، ۱۳۸۶، ش ۲۴، ص ۵۲، به نقل از: طویل، عمدة الاصول، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲. قبادی، «جایگاه مذهب راوی در توثیقات رجال شیعه»، مقالات و بررسی‌ها، ۱۳۸۱، دفتر ۷۲، ص ۱۳۴، به نقل از: طویل، عمدة الاصول، ص ۲۸۳.

۳. خوبی، معجم رجال الحديث و طبقات روایتهم، ج ۱، ص ۶۹.

۴. طویل، رجال، ص ۳۵۱، ش ۵۱۷.

۵. همان، ص ۴۰۷، ش ۵۹۳۳.

۶. همان، ص ۳۵۵، ش ۵۲۶۳.

۷. همان، ص ۴۰۹، ش ۵۹۴۹.

۸. همان، ص ۴۱۱، ش ۵۹۶۳.

۹. همان، ص ۴۱۳، ش ۵۹۸۸.

۱۰. همان، ص ۴۳۸، ش ۶۲۷۰.

۱۱. همان، ص ۳۸۶، ش ۵۶۹۰.

۱۲. همان، ص ۴۱۱، ش ۵۹۵۶.

۱۳. همان، ص ۵۱۱، ش ۱۱۴۷.

۱۴. همان، ص ۴۲۱، ش ۶۰۷۴.

۱۵. همان، ص ۴۳۰، ش ۶۲۸۷.

۱۶. همان، ص ۴۰۷، ش ۵۹۲۵.

عالماً صالحًا مرضيًّا»<sup>۱</sup>، «خیر»<sup>۲</sup>، «كان جليل القدر عظيم الحفظ»<sup>۳</sup>، «الدين الزاهد»<sup>۴</sup>، «أكثر أهل المشرق علمًا و فضلاً و ادبًا و فهمًا و نبلاً في زمانه»<sup>۵</sup>، «بصير بالفقه و الاخبار و الرجال»<sup>۶</sup>، «فضل»<sup>۷</sup>، «عارف بالرجال»<sup>۸</sup>، «كان فضلاً ثقة»<sup>۹</sup>، «جليل متكلم»<sup>۱۰</sup>، «فقيه مناظر»<sup>۱۱</sup> و «عالم جليل»<sup>۱۲</sup>.

۲. الفاظ و عبارات تجريح: عباراتي مانند «ضعيف»<sup>۱۳</sup>، «ضعيف الحديث»<sup>۱۴</sup>، «اختل في آخر عمره»<sup>۱۵</sup>، «فيه نظر»<sup>۱۶</sup>، «مشكوك فيه»<sup>۱۷</sup>، «ضعفه ابن بابويه»<sup>۱۸</sup>، «صاحب الترهات»<sup>۱۹</sup>، «مخلط»<sup>۲۰</sup>، «خيث»<sup>۲۱</sup>، «لحق بمعاوية»<sup>۲۲</sup>، «عدو»<sup>۲۳</sup>، «يرمى بالغلو والتفريط في القول»<sup>۲۴</sup>، «منكر الحديث»<sup>۲۵</sup>، «ملعون»<sup>۲۶</sup>، «ضعفه القوم»<sup>۲۷</sup> و «ضعيف على قول القمين»<sup>۲۸</sup>.

۱. همان، ص ۳۷۹، ش ۵۶۱۹.
۲. همان، ص ۴۳۹، ش ۶۲۷۹.
۳. همان، ص ۴۴۳، ش ۶۳۱۷.
۴. همان، ص ۴۴۰، ش ۶۲۹۵.
۵. همان، ص ۴۴۰، ش ۶۲۸۲.
۶. همان، ص ۴۳۹، ش ۶۲۷۳.
۷. همان، ص ۴۲۹، ش ۶۱۶۱.
۸. همان، ص ۴۲۵، ش ۶۱۱۷.
۹. همان، ص ۴۳۱، ش ۶۱۸۳.
۱۰. همان، ص ۴۳۰، ش ۶۱۷۲.
۱۱. همان، ص ۴۲۰، ش ۶۰۷۲.
۱۲. همان، ص ۴۲۰، ش ۶۰۷۳.
۱۳. همان، ص ۱۵۸، ش ۱۷۶۳.
۱۴. همان، ص ۱۹۱، ش ۲۳۷۰.
۱۵. همان، ص ۴۱۳، ش ۵۹۸۳.
۱۶. همان، ص ۱۸۶، ش ۲۳۶۶.
۱۷. همان، ص ۱۳۳، ش ۱۳۵۶.
۱۸. همان، ص ۴۲۴، ش ۶۱۱۰.
۱۹. همان، ص ۷۵، ش ۷۲۰.
۲۰. همان، ص ۲۱۹، ش ۲۹۱۰.
۲۱. همان، ص ۳۳۹، ش ۵۰۵۱.
۲۲. همان، ص ۹۵، ش ۹۴۳.
۲۳. همان، ص ۷۶، ش ۷۲۸.
۲۴. همان، ص ۱۱۹، ش ۱۲۰۶.
۲۵. همان، ص ۲۸۱، ش ۴۰۵۸.
۲۶. همان، ص ۳۹۲، ش ۵۷۸۵.
۲۷. همان، ص ۴۴۷، ش ۶۳۶.
۲۸. همان، ص ۳۹۱، ش ۵۷۵۸.

## نقد روش جرح و تعدیل شیخ طوسی

## ۱. پذیرش روایان عامه

شیخ با وجود زعامت و سردمداری تشییع، افق دید و سیع تری نسبت به جایگاه اعتقادی و مذهبی خود داشته و با احاطه بر نظرات فقهای اهل سنت، بدون هرگونه جزم‌اندیشی از نظرات آنان نیز بهره‌مند شده و به آنها استناد جسته است. این امر در عموم کتاب‌های فقهی ایشان و بهتر آن در کتاب الفهرست و رجال او مشهود است. از آنجا که وی روایان عامه را تضعیف نکرده است، این امر می‌تواند تمایز آشکار او را با سایر فقهاء و رجالیون شیعه را مبرهن سازد. شیخ کوشیده است تا موارد اختلافی فرق را با سعه صدر و درایت خاص و نواندیشانه و مصلحت‌گرایانه روش سازد و از گستردگی آتش اختلاف و تفرقه با توجه به شرایط حساس عصر حیات خویش در بغداد و درگیری‌های بین شیعه و سنی ممانعت کند. از این‌رو به گفته واعظزاده خراسانی، مترجم محترم کتاب *الجمل* و *العقود فی العبادات*، «شایسته است شیخ طوسی را از این لحاظ، یکی از رجال تقریب و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین مذاهب اسلامی و بلکه مبتکر این امر و گشاینده این در بدنامیم، و همین کمالات معنوی و فضائل نفسانی است که به وی امکان داده است تا از مزه‌های زمان خویش تجاوز کند و خود را از آن همه زمان‌ها و اعصار و متعلق به همه مسلمین قرار دهد».<sup>۱</sup>

احاطه فقهی شیخ بر آرای فقهای اهل سنت و بیان فتاویٰ آنان از جمله تقسیم افعال و تروک، طهارت و وضو به واجبات، مستحبات و آداب در کتاب *الجمل* و *العقود فی العبادات*، برخی دانشمندان اهل سنت را به اقرار و اداسته که او را در مذهب شافعی فقیه خوانند؛ از جمله سبکی در طبقات الشافعیه گوید: «ابو جعفر طوسی فقیه و مصنف شیعه به بغداد آمد و در مذهب شافعی فقیه گردید و علم اصول و کلام را نزد ابی عبدالله محمد بن نعمان معروف به مفید، فقیه امامیه آموخت».<sup>۲</sup> پس از سبکی، علامه سیوطی می‌گوید: «محمد بن الحسن بن علی ابو جعفر شیخ الشیعه و عالمهم به بغداد وارد شد و در مذهب شافعی متفنن و فقیه گردید و ملازمت شیخ مفید را برگزید».<sup>۳</sup>

شایان ذکر است این بیان شیخ در کتاب رجال او نمود بیشتری می‌یابد؛ زیرا در آن با تسامح و مصلحت‌اندیشی، بسیاری از روایات روایان عامه را قابل پذیرش دانسته و آنان را تضعیف نکرده، مگر آنکه روایتشان معارض با روایت شیعه باشد؛ به عبارتی عمل به اخبار روایان سنی را در صورتی که از ائمه طاهرين علیهم السلام روایت کرده باشند، جایز دانسته، مشروط به اینکه خبری معارض و مخالف در

۱. طوسی، *الجمل* و *العقود فی العبادات*، مقدمه، ص ۱۰.۲. سبکی، *طبقات الشافعیه*، ج ۳، ص ۵۱.۳. سیوطی، *طبقات المفسرین*، ص ۲۹.

روایات شیعه نداشته باشد. بنابراین براساس تحقیق قبادی، شیخ روایات حوض بن غیاث، غیاث بن کلوب، نوح بن دراج و سکونی و سایر راویان اهل سنت را قبل پذیرش می‌داند.<sup>۱</sup>

البته این تفکر شیخ طوسی و تسامح در تعديل یا عدم تضییف راویان درخصوص پذیرش روایات اهل سنت در صورتی که روایت معارض نداشته باشد، در میان فقهاء شیعه پس از او مثل علامه حلی و شهید اول هم دیده می‌شود. این همان نکته‌ای است که باید اذعان داشت روش رجالی شیخ مورد توجه بسیاری از رجالیون پس از او قرار گرفته و آنان را دنباله‌رو روش خود ساخته است که قبل از آن کم سابقه بود. همچنین می‌توان گفت در این خصوص دیدگاه یکی از هم‌عصران او، یعنی نجاشی بسیار با وی نزدیک است. به گفته معارف، شیخ طوسی برخلاف رجالیون معاصر خودش از جمله نجاشی و ابن‌غضائیری، نه تنها به روایات صحیح بسته نکرده، بلکه به درج روایات ضعیف نیز با این شرط که بین روایات اختلافی و متعارض را جمع و تأویل و در صورت عدم امکان، صلاحیت آن را جهت انجام عمل شرعی نفی کند، پرداخته است. بر این اساس او موفق شد گنجینه نفیسی از روایات شیعه اعم از صحیح و ضعیف را در کتاب تهذیب الأحكام گردآوری کند. علاوه بر آن، براساس این مصلحت‌اندیشی توانست وحدت حوزه درسی بغداد را تأمین کرده و در مقابل هجوم‌های فکری اهل سنت نیز از اساس مکتب شیعه دفاع کند و از این جهت نباید انتقادی متوجه شیخ طوسی گردد.<sup>۲</sup>

با این حال به گفته معارف، برخی دانشمندان شیعه از جمله شهید ثانی در کتاب درایه و به‌تبع او ملاعلی علیاری در بهجه الامال ضمن ابراز شگفتی از روش شیخ طوسی، به‌ویژه در کتب حدیث و رجال او تلویحًا به انتقاد از وی پرداخته‌اند.<sup>۳</sup> این در حالی است که بسیاری نیز او را ستوده و مدح گفته‌اند؛ از جمله علامه حلی گوید:

شیخ امامیه، رئیس شیعه، دارای جایگاهی رفیع و عظیم، مورد اعتماد و صدقه است که به اخبار رجال، فقه، اصول، کلام و ادبیات کاملاً احاطه داشت و در واقع مجموعه‌ای از فضائل علمی و انسانی بود. او در همه علوم و فنون اسلامی تألیفاتی دارد و اعتقادات را چه در اصول و چه در فروع از عقاید نادرست پاک کرده و در بلندترین مرتبه تکامل روحی از نظر علم و دین جای گرفته است.<sup>۴</sup>

۱. قبادی، «جایگاه مذهب راوی در توثیقات رجال شیعه»، مقالات و بررسی‌ها، ۱۳۸۱، دفتر ۷۲، ص ۱۳۱.

۲. معارف، «مقایسه دیدگاه رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، پژوهش دینی، ۱۳۸۶، ش ۲۴، ص ۵۳ - ۵۲.

۳. همان، ص ۵۶.

۴. حلی، ترتیب خلاصة الاقوال، ص ۱۴۸؛ طوسی، الجمل و العقود فی العبادات، مقدمه، ص ۵.

## ۲. عدم تضعیف شدید روایان

درباره جرح و تعدیلی که در رجال طویل صورت گرفته است باید گفت شیخ در مجموع عنایت کاملی به توثیق یا تضعیف روایان ندارد. او بسیاری از روایان موثق را نام می‌برد و فقط مشخص می‌کند که وی صحابی کدام امام است، بدون آنکه سخنی در توثیق آنان به میان آورد. ظاهرآ شیخ طویل شرط خاصی را در برشمردن نام اصحاب و روایان پیامبر ﷺ و ائمهؑ مدنه نداشته است؛ یعنی تقسیم‌بندی میان افراد مؤمن و منافق، شیعه و سنی یا هرگونه تقسیم‌بندی دیگری را (به جز در موارد محدودی) رعایت نکرده است. حتی به گفته شمشیری، ۱۳۸۷ زیاد بن ابیه و عبیدالله بن زیاد را در طبقه صحابه امیرالمؤمنین علیؑ و منصور دوایقی را در طبقه اصحاب امام صادق علیؑ ذکر کرده، بدون آنکه در مورد فساد این افراد چیزی بازگو کرده باشد.<sup>۱</sup> از این‌رو رجال‌شناسان شیعه مانند تستری، استناد به این موارد را در رجال طویل جز با احراز امامی بودن روایی جایز نمی‌دانند.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است اگرچه غرض شیخ، عدم تضعیف شدید روایان است،<sup>۳</sup> اما در موارد محدودی نیز نسبت به ذکر مذاهب انحرافی روایان از جمله غلات بی‌عنایت نیست.

## ۳. پذیرش خبر روایان شیعه غیر امامیه

شیخ به همین‌گونه، عمل طبق روایات دیگر فرق شیعه مانند زیدیه، جارودیه، قطعیه، فطحیه و واقفیه را نیز به شرط عدم تعارض با روایان امامیه می‌پذیرفته است.<sup>۴</sup> البته غیر از فرقه‌های برشمرده شده فوق، در الفهرست نیز آثار پیروان سایر فرق شیعی را هم ذکر و به پذیرش روایتشان تأکید کرده است. به عنوان نمونه، در باره احمد بن محمد بن سعید گوید: «و کان زیدیاً جارودیاً». از این‌رو وی را جزو اصحاب آورده که از ائمهؑ روایات زیادی نقل کرده است.<sup>۵</sup> شیخ همچنین آثار کسانی چون علی بن حسن طاهری را که واقفی بوده و نسبت به امامیه دشمنی داشته است، به سبب آنکه از روایان موثق نقل کرده، ذکر کرده است.<sup>۶</sup> او استفاده از روایت پیروان فطحیه (عبدالله افطح) را هم جایز می‌داند، مگر آنکه دروغ‌گو یا وضع باشند؛ مانند علی بن حسن بن علی بن فصال معروف به

۱. شمشیری، «بررسی و ارزیابی روش شیخ طویل در نقد رجال و آثار»، مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷، ش ۸۰، ص ۱۱۵.

۲. تستری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۲۹.

۳. معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۴۴۹ – ۴۴۸.

۴. مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرایه، ص ۱۳۹.

۵. طویل، الفهرست، ص ۶۸.

۶. همان، ص ۲۷۲.

ابن‌فضل صنیع از اصحاب امام هادی و امام عسکری<sup>۱</sup> که از او با عنوان فطحی المذهب، ثقہ، کوفی، کثیر العلم و واسع الروایة و الاخبار یاد کرده است.<sup>۲</sup>

#### ۴. جرح خفی

با این‌همه، روایان ضعیف بسیاری هستند که نامشان در فهرست و رجال ذکر شده، اما درباره آنان هیچ تضعیفی از جانب شیخ صورت نگرفته است؛ مانند «جعفر بن محمد بن مالک»، «مفضل بن عمر جعفی»، «محمد بن حسن بن شمعون»، «یونس بن طبیان»، «عبدالله بن محمد بلوی» و «عمرو بن شمر جعفی». همه این موارد نشان می‌دهد که شیخ تمایل چندانی به جرح مستقیم روایان نداشته است و طبق گفته بهبودی، در بیان ضعف برخی روایان، از روش جرح خفی استفاده کرده است. همچنین در روش او دیده شده گاهی از شخصی در چند جای کتاب نام می‌برد، اما جز در یک جا او را تضعیف نمی‌کند؛ همانند «ابان بن ابی عیاش فیروز» که سه بار نام این شخص در کتاب رجال طوسی جزو اصحاب امام سجاد، امام باقر و امام صادق<sup>۳</sup> هم ذکر شده، اما تنها یک بار ذیل اصحاب امام باقر<sup>۴</sup> او را ضعیف معرفی کرده است.<sup>۵</sup> برخی صاحب‌نظران مانند محمد باقر بهبودی بر این باورند که این روش نشانگر نوعی جرح خفی ایشان توسط شیخ است؛ یعنی به قرینه وجود تضعیف در یک جا، در مواردی که تضعیف نیامده است نیز حکایت از تضعیف دارد.<sup>۶</sup>

بهبودی نگارش باب سیزدهم رجال شیخ را از ابداعات این دانشمند در طعن خفی و غیر مستقیم عده‌ای از روایان ضعیف و بدناه می‌داند. وی همچنین معتقد است شیخ طوسی با علم به آنکه این قبیل روایان، عصر امامان<sup>۷</sup> را درک کرده‌اند، به ذکر اسامی آنان در این باب پرداخته تا بهطور غیر مستقیم اعلام کند کتب و روایات این عده از حیز اعتبار ساقط است؛ زیرا این عده با وجود هم‌عصر بودن با امامان، لقا و سمعانی از ایشان نداشته‌اند. از این‌رو در تعقیب سبک و سیره خود (پرهیز از تضعیف روایان بدنام) با اینکه از جرح علی ضعفا خودداری ورزیده، اما به این صورت دین علمی را در اثر خویش ادا کرده است.<sup>۸</sup>

مجید معارف، پژوهشگر معاصر در مقاله‌ای ضمن مقایسه تطبیقی دو کتاب رجال و الفهرست شیخ طوسی، این روش شیخ (جرح خفی) نسبت به روایان شیعه را که البته تعداد این افراد از سی نفر تجاوز نمی‌کند، برخلاف رویه او در الفهرست می‌داند؛ چراکه همین افراد در آنجا تضعیف یا متهم به

۱. همان، ص ۹۲.

۲. همو، رجال، ص ۱۰۹، ش ۱۰۶۷؛ ص ۱۲۶، ش ۱۲۶۴؛ ص ۱۶۲، ش ۱۸۸۵.

۳. شمشیری، «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷، ش ۸۰، ص ۱۲۲.

۴. طوسی، رجال، ص ۴۵۱.

غلو شده‌اند؛ مانند «احمد بن محمد سیاری»، «وھب بن وھب اباالبختری»، «محمد بن علی القرشی مکنی به ابوسمینه»، «سھل بن زیاد آدمی» و «سالم بن مکرم ابوخدیجه». ازین‌رو براساس اعتقاد ایشان برای شناخت ضعفا از دیدگاه شیخ طوسی، بهتر است هر دو کتاب فهرست و رجال این دانشمند با هم مورد مطالعه قرار گیرد.<sup>۱</sup>

#### ۵. مدح یا ذم غیر مستقیم

در کتاب رجال، علاوه بر استفاده از اصطلاحات خاص علم رجال، گاه از تعبیر دیگری استفاده شده که به‌طور غیر مستقیم مدح یا ذم روایان از آنها بهدست می‌آید، که باز هم مؤید مشی جرح خفی شیخ است. تعبیری که می‌توان از آنها مدح و تعديل راوی را برداشت کرد عبارتند از: شرکت یا شهادت در غزوات و جنگ‌های صدر اسلام،<sup>۲</sup> شهادت در رکاب حضرت علی<sup>علیہ السلام</sup> در جنگ‌های جمل، صفين و نهروان،<sup>۳</sup> شهادت در واقعه کربلا،<sup>۴</sup> دعای امامان معصوم<sup>علیهم السلام</sup> در حق آنان،<sup>۵</sup> مکاتبه روایان با امامان<sup>ع</sup><sup>ع</sup> و کیل یا نماینده امام بودن.<sup>۶</sup>

برخی تعبیر که می‌توان حمل بر ذم یا جرح روایان کرد عبارتند از: از سران خوارج بودن،<sup>۷</sup> به معاویه پیوستن<sup>۸</sup> و از یاران معاویه بودن.<sup>۹</sup>

#### ۶. گستردگی دایره توثیق روایان

شیخ در رجال به توثیق روایانی پرداخته که بسیاری از علمای رجالی مانند نجاشی و غضائی آنان را تضعیف کرده‌اند؛ افرادی مانند «داود بن کثیر رقی»<sup>۱۰</sup> و «محمد بن خالد برقی».<sup>۱۱</sup> این نوع عملکرد شیخ نشانه دیگری است بر عدم تمایل در بیان جرح و ذم روایان.

۱. معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۴۴۹.

۲. طوسی، رجال، ص ۲۲، ش ۱۵ - ۱۲؛ ص ۲۴، ش ۴۲.

۳. همان، ص ۴۹، ش ۳۹۷؛ ص ۵۹، ش ۴۹۵؛ ص ۶۴۳، ش ۷۰.

۴. همان، ص ۹۹، ش ۹۶۵؛ ص ۱۰، ش ۹۸۵؛ ص ۱۰۲، ش ۱۰۰۴ - ۱۰۰۰.

۵. همان، ص ۷۰، ش ۶۴۷.

۶. همان، ۴۱۸، ش ۶۰۴۱.

۷. همان، ۴۴۷، ش ۶۳۵۱.

۸. همان، ۷۶، ش ۷۳۸.

۹. همان، ۸۰، ش ۷۸۳.

۱۰. همان، ۵۰، ش ۴۰۹.

۱۱. همان، ص ۳۳۶، ش ۵۰۰۳.

۱۲. همان، ص ۳۶۳، ش ۵۳۹۱.

اما در توجیه این رویکرد شیخ باید گفت به عقیده استاد معارف، منازعات مذهبی بین شیعیان و اهل سنت و همچنین اختلافنظر میان بزرگان شیعه در زمینه بسیاری مسائل، از جمله عواملی بودند که در روزگار شیخ طوسی، امنیت علمی و تحقیقاتی آن عصر را با خطر مواجه کرده بود. در چنین اوضاع و شرایطی بود که شیخ به عنوان یک منجی پا به عرصه جریانات علمی گذاشت و در ارائه آثار خود روشی را در پیش گرفت که هم از کیان مذهب شیعه در مقابل اهل سنت دفاع کند و هم به شکلی به اختلاف مشایخ شیعه پایان داده باشد.<sup>۱</sup> شیخ طوسی در حالی در بغداد مشغول فعالیت‌های علمی بود که با تضعیف اقتدار آل بویه، درگیری‌های مذهبی بین شیعه و سنی شدت یافت و ناامنی همه جا را فرا گرفت. این درگیری‌ها با قدرت‌گیری سلجوقیان شدت یافت و محله کرخ، محل سکونت شیعیان بارها از سوی افراطیون اهل سنت به شدت دچار تخریب و کشتار شد. از این‌رو وضعیت شیعیان روزبه روز سخت‌تر و بحرانی‌تر گردید.<sup>۲</sup> افراطیون سنی‌مذهب در بستر فراهم‌شده از جانب سلجوقیان، مراکز علمی، کتابخانه‌ها و مساجد شیعه را نابود کردند و بر علمای شیعه سخت گرفتند. بدیهی بود در چنین شرایطی نیاز به وحدت و یکپارچگی فرق شیعی در قبال افراطیون اهل سنت از یک سو و پرهیز از دامن زدن به اختلافات مذهبی و به عبارتی ندادن بهانه به دست این افراطیون که از حمایت حاکمیت نیز برخوردار بودند، در اتخاذ چنین مشی و رفتار میانه‌روانه و مداراگرانه‌ای بی‌تأثیر نبوده باشد؛ به گونه‌ای که شیخ حتی کسانی چون معاویه و عمرو بن عاص را که اهل سنت به سبب درک محضر پیامبر ﷺ صحابی می‌شمارند، در زمرة صحابه یاد کرده و از ذکر خلفای ثلاثة به عنوان راویان و صحابه رسول خدا ﷺ در کتاب خود خودداری نورزد.

#### ۷. گستردگی و فراوانی راویان

نکته دیگر آنکه، پاره‌ای از ایرادات و نواقص نیز در این کار رجالی راه یافته و این‌گونه تلقی شده که یک نوع آشفتنگی در آن وجود دارد. به عنوان نمونه قتبیه بن محمد الاعشی یک بار در شمار اصحاب امام صادق ع و بار دیگر در شمار کسانی که از امامان ع روایتی ندارند، ذکر شده است. همچنین محمد بن عیسی بن عبید یقطینی یک بار در شمار اصحاب امام رضا ع، یک بار در شمار اصحاب امام هادی ع، یک بار در شمار اصحاب امام حسن عسکری ع و بار چهارم در باب سیزدهم کتاب، یعنی در میان کسانی که از ائمه ع روایتی نقل نکرده‌اند، یاد شده است. نمونه‌های دیگری مانند شریح بن ثابت، حسن بن حسین بن ابیان، حسین بن اشکیب مروزی، حمدان بن سلیمان بن عمیره،

۱. معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۵۱.

۲. برای اطلاع از وضعیت جامعه شیعیان و درگیری‌های شیعه و سنی در عصر سلجوقی ر.ک به: قروینی رازی، مطالب النواصب فی تفضیل بعض فضایع الروافض.

قاسم بن محمد جوهری، بکر بن محمد ازدی و کلیب بن معاویه اسدی را نیز شیخ در چند موضع کتاب رجال از جمله باب سیزدهم ذکر کرده است.<sup>۱</sup> البته علمای علم رجال و اساتید فن برای حل این تناقضات وجودی را ذکر کرده‌اند و در مجموع آن را به حساب سهو و نسیان گذاشته‌اند.<sup>۲</sup> این کار می‌تواند بدان علت هم باشد که برخی از این روایان بیشتر روایتشان را از یکی از ائمه ذکر کرده‌اند و البته از پدر و فرزند آن امام هم اندک روایاتی داشته‌اند؛ بر این اساس در هر سه دوره به‌طور مجزا از آنان یاد شده است. از این‌رو این را نباید اشتباه یا غفلت تلقی کرد. علاوه بر آن، در یک کار رجالی در این حد وسیع و انبوه، روایان و نام‌ها که به قریب ۹۰۰۰ نفر می‌رسد، موارد معدودی غفلت یا اشتباه می‌تواند طبیعی باشد.

### نتیجه

با توجه به باب‌بندی‌های موجود در رجال شیخ طوسی می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ساختار این کتاب براساس شیوه نگارش طبقات سامان یافته است. شیوه شیخ در رجال به این صورت است که وی در آغاز به ذکر اصحاب پیامبر ﷺ پرداخته و سپس یاران هر امام را برمی‌شمارد. از نکات مهم روشی شیخ آن است که وی اولاً نام اصحاب معصومین ﷺ و روایان آنان، اعم از امامیه یا سایر فرق شیعی را در کنار روایان اهل سنت قرار داده است؛ ثانیاً آنکه اگرچه هدف شیخ طوسی از تألیف کتاب رجال عمدهاً جمع‌آوری و شمارش روایان بی‌واسطه و باواسطه معصومین ﷺ و سایر روایان بوده است و در ظاهر چنین می‌نماید که چندان در گرو جرح و تعديل آنان نیست، با این وجود گاهی درباره برخی روایان به توثیق و تضعیف یا جرح و تعديل و بیان مذهب و عقیده آنان از جمله گرایش به فرقه‌های انحرافی نیز اقدام کرده است. به‌نظر می‌رسد این تعديل و تجريح تنها برای شناسایی و اطلاع‌رسانی باشد. او عمدهاً در جایی که از روایان موثق سخن می‌گوید، به این امر اکتفا می‌کند که وی صحابی کدام امام است و کمتر سخنی پیرامون توثیق یا تجريح آنان دارد. البته این رویه در کار او یکدست نیست؛ بلکه در برخی مواقع از اصطلاحات حدیثی و رجالی در جرح و تعديل بهره می‌برد؛ چنان‌که نسبت به ذکر مذاهب انحرافی نیز بی‌عنایت نیست.

ثالثاً نگرش کلی او در رجال عدم تضعیف شدید روایان یا امتناع از تضعیف ضعفاست. در واقع وی کوشیده است تا حد امکان از این کار اجتناب کند یا در نهایت از جرح خفی یا غیر مستقیم بهره

۱. ر.ک به: طوسی، رجال، مقدمه، ص ۱۱.

۲. ر.ک به: مامقانی، *تنتیج المقال*؛ معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه؛ شهیدی، «ملاک‌های قدما در ارزیابی و نقد حدیث در آینه فهرست‌های رجالی»، حدیث اندیشه، ۱۳۸۶، ش ۳.

برد. بر این اساس ممکن است راویانی از نظر رجالیون دیگر ضعیف شمرده شده باشند، اما نامشان در این کتاب ذکر شده و شیخ هیج سخنی در تضعیف آنان نگفته باشد. همه این موارد نشان می‌دهد این کار بیشتر از روایات میانه رو و معتقدانه و مصلحت‌اندیشه شیخ به‌سبب شرایط خاص شیعه در عصر سلجوقیان در بغداد ناشی شده است؛ شرایطی چون زیر فشار بودن شیعیان و درگیری‌های خونین بین شیعه و اهل‌سنّت در بغداد، که امنیت و ثبات را از جامعه دور ساخته بود. علاوه بر آن، اختلاف عقیده و اندیشه در میان فقهاء شیعه، اعم از اصولیین و اخباریین که همچنان تداوم داشت، موجب تجزیه فقهی و اعتقادی شیعه در قالب فرق نوظهور کلامی که از قرون پیش با تعصبات مفرطانه باعث انشقاق جامعه شیعی شده و همچنان فعال بودند، می‌شد و در نهایت این تشست باعث بهره‌برداری معاندان شیعه می‌گشت.

همه اینها دلایلی است که شیخ را ناچار می‌سازد برخلاف سلف، تضعیف راویان عامه و غیر امامیه را برنتابد. البته شاید علت دیگر آن را هم باید در این جستجو کرد که هدف شیخ از تأليف این کتاب بیشتر ذکر بی‌شمار راویان و نام آنانی بوده که از ائمه<sup>علیهم السلام</sup> روایتی داشته‌اند یا در زمرة اصحاب امام محسوب می‌شدنند؛ به عبارتی ارائه یک فهرست جامع از راویان. از این‌رو دایره رجالی شیخ گسترده‌گی زیادی می‌یابد. به همین دلیل نمی‌توان صرفاً با استناد به وجود نام کسی در این کتاب، به امامی یا شیعی بودن وی اطمینان یافت.

در مجموع اطلاعات موجود در این کتاب محدود به ذکر فهرست راویان، اطلاعاتی پیرامون نام، کنیه، لقب، مولد و موطن، قبیله و تعیین طبقه آنان و اندکی هم جرح و تعدیل یا بیان مذهب و عقیده آنان است. اگرچه این اطلاعات برای رجالیون سودمند است، اما نکات مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تری از جمله کیفیت اخذ و تحمل حدیث، میزان و مقدار روایات و اسماء مشايخ و راویان برای راوی ضروری است. بدنهظر می‌رسد از این جهت بلحاظ روشی رجال شیخ صرف‌نظر از نقاط قوتی که دارد، از نواقصی هم برخوردار است. بنابراین باید این کتاب را بیشتر در حکم یک فهرست و طبقه‌نگاری و کمتر اثری رجالی انگاشت.

## منابع و مأخذ

۱. ابن‌الغضائیری، احمد بن‌حسین، رجال ابن‌غضائیری، ماجد کاظمی، بی‌جا، دار‌الهدی، ۱۳۸۰.
۲. بحرالعلوم، محمد‌مهدی، رجال بحرالعلوم معروف به الفوائد الرجالیه، حققه و علق‌علیه محمدصادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، تهران، مکتبه الصادق<sup>علیه السلام</sup>، ۱۳۸۳.
۳. تستری، محمد‌نقی، قاموس الرجال، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۴. تهرانی، آقابزرگ، *الذریعة الى تصانیف الشیعه*، بیروت، دار اضواء، ۱۴۰۶ ق.
۵. حلی، حسن بن یوسف، *ترتيب خلاصة الاقوال*، مشهد، مجمع البحث الاسلامی، ۱۳۸۱ ق.
۶. خوبی، سید ابوالقاسم، *مجمع رجال الحديث و طبقات رواتهم*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۳۸۸ ق.
۷. سبکی، عبدالوهاب بن علی، *طبقات الشافعیة الکبری*، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، بیروت، دار احیاء الكتب العربیة، ۱۹۷۶.
۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *طبقات المفسرین*، تحقیق علی محمد عمر، قاهره، مکتبة الوھبة، ۱۳۹۶ ق.
۹. شمشیری، رحیمه، «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، *مطالعات اسلامی*، ش ۸۰، ۱۳۸۷.
۱۰. شهیدی، روح الله، «ملاک‌های قدماء در ارزیابی و نقد حدیث در آینه فهرست‌های رجالی»، *حدیث اندیشه*، ش ۳، ۱۳۸۶.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، *الجمل و العقود فی العبادات*، تصحیح، ترجمه، حواشی و مقدمه محمد واعظزاده خراسانی، مشهد، بی‌نا، ۱۳۸۷ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، *الفهرست*، تحقیق محمدجواد قیومی، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۲۹ ق.
۱۳. ———، *رجال طوسی*، تحقیق محمدجواد قیومی، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۱۴. ———، *علة الاصول*، تحقیق خلیل بن عازی قزوینی، قم، موسسه آل البيت ع، ۱۳۶۱ ق.
۱۵. علی نژاد جویباری، ابوطالب، «آشنایی با رجال شیعه»، *شیعه‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۶، ۱۳۸۵.
۱۶. قبادی، مریم، «جایگاه مذهب راوی در توثیقات رجال شیعه»، *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۱۳۸۱، ۷۲.
۱۷. مامقانی علامه ملاعبدالله، *تنقیح المقال*، نجف، مکتبة المترضویة، ۱۳۵۰ ق.
۱۸. مدیرشانه‌چی، محمد کاظم، *درایة الحديث*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۹. معارف، مجید، «مقایسه دیدگاه رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، پژوهش دینی، ش ۲۴، ۱۳۸۶.
۲۰. ———، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، ۱۳۷۶.
۲۱. مؤدب، سید رضا، *علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرایه*، قم، احسن‌الحدیث، ۱۳۷۸.

